

سیمای اهل بیت در حدیقه الحقیقه دیوان سنایی

.....

.....

.....

.....

چکیده:

دوستی با اهل بیت پیامبر اکرم (ص) یکی از موضوعات بسیار مهمی است که فکر و ذهن اغلب شعرا و نویسندگان را به خود مشغول کرده و این مودت و دوستی در آثار آنها نمود خاصی پیدا کرده است.

به نظر می رسد که اغلب شعرا و نویسندگان به حدیث معروف ثقلین و آیه تطهیر توجه خاص داشته و این حدیث و آیه را سرلوحه آثار خود قرار داده اند و نتایج این توجه در آثار آنها به خوبی نمایان است.

بسیاری از شعرای فارسی زبان بر اهمیت توجه به قرآن و عترت پیامبر واقف و آشنا بوده اند و بدین دلیل است که در آثار آنها اشاره های فراوانی به آیات قرآن و عترت پیامبر (ص) شده است.

سنایی نیز از شاعرانی است که از این قضیه مستثنا نبوده است و در آثار او به ویژه حدیقه الحقیقه و دیوان اشعار مدح و ستایش پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت به طور

چشمگیری دیده می شود. در آثار وی ارادت خاص و صادقانه او به اهل بیت پیامبر کاملاً آشکار و نمایان است و در جای جای این دو اثر برتری و سروری اهل بیت را به تصویر می کشد، و دوستی با اهل بیت را راه نجات و سعادت خواهی می داند.<sup>۱</sup>

حدیث ثقلین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانهما لن یفتدا فاحتی یردا علی الحوض

پیامبر خدا که درود خدا بر او و خانواده اش باد فرمود: من در میان شما دو چیز سنگین و گرانبها که کتاب خدا و عترت من که همان خانواده من هستند باقی می گذارم، این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

با توجه به مضمون حدیث شریف ثقلین روشن می شود که هدایت وابسته به تمسک به قرآن و عترت است. نه قرآن تنها و نه عترت تنها، زیرا شناخت کامل و حقیقی قرآن فقط برای عترت میسر بوده و تنها عترت می توانند به کمک عظمت خدادادیش به حقایق قرآن کما هو حقّه برسد و آن را در اختیار تشنگان عترت قرار دهد که انما یعرف القرآن من خو طب به.<sup>۲</sup>

۱ - کید واژه: سنایی- دیوان، حدیقه الحقیقه- اهل بیت (علیهم السلام)  
۲ - فروغ کافی، چاپ بیروت، جلد ۸، ص ۳۱۲، به نقل از وصیت نامه سیایی امام خمینی (ره)، ص ۲۲.

آیه تطهیر: ... اطعن الله و رسوله انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهرکم تطهیراً (سوره احزاب، آیه ۳۳).

و اینکه خدا و رسولش را اطاعت کنید، خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

خداوند در پایان آیه ۳۳ سوره احزاب در مورد اهل بیت صحبت می کند اما اینکه منظور از «اهل بیت» در اینجا چه اشخاصی می باشند در میان مفسران گفت و گو است. بعضی آن را مخصوص همسران پیامبر دانسته اند و آیات قبل و بعد را که در باره ی ازدواج رسول خداست را قرینه این معنی شمرده اند. اما با توجه به این مطلب که ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت ضمیر «جمع مؤنث» است در حالی که ضمایر این قسمت از آیه (انما... تطهیراً) همه به صورت «جمع مذکر» است و این نشان می دهد که معنی و مفهوم دیگری در نظر بوده است.

بعضی از مفسران از همین مرحله گام فراتر نهاده و آیه را شامل همه خاندان پیامبر اعم از مردان و همسران او دانسته اند، اما از سوی دیگر روایات بسیار زیادی در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده است که معنی دوم یعنی شمول همه ی خاندان پیامبر را نفی می کند و می گوید مخاطب در آیه فوق منحصراً پنج نفرند: پیامبر(ص)، علی(ع)،

فاطمه (س)، و حسن و حسین (ع)<sup>۱</sup> به عنوان نمونه به دو مورد از این روایات اشاره می شود:

انس ابن مالک نقل کرد: پیامبر شش ماه تمام هنگام طلوع فجر از خانه بیرون می آمد و رهسپار مسجد می شد و مرتب در آن دم مقابل در خانه ی فاطمه (س) می ایستاد و می فرمود: اهل بیت به یاد نماز باشید خداوند می خواهد از شما اهل بیت هر گونه پلیدی را دور کند.<sup>۲</sup>

«در مناظره ای که بین امام رضا (ع) در مجلس مأمون با علمای مجلس در خصوص عترت صورت گرفت مطالب زیادی رد و بدل شد و سئوالات زیادی از امام پرسیده شد که امام به آنها پاسخ گفتند. یکی از این سئوالات این بود: ای ابالحسن آیا عترت فقط آل رسول الله هستند یا غیر آل وی را نیز شامل می شود؟ امام فرمودند: فقط آل رسول الله است. سپس مأمون گفت: آیا خدا عترت را بر همه ی مردم فضیلت داده است؟ امام فرمود: آری خدا در کتاب خود عترت را بر همه مردم فضیلت داده است»<sup>۳</sup>

#### مذهب سنایی

در مورد مذهب سنایی نظرات متفاوتی وجود دارد. استاد بزرگوار مدرس رضوی در مقدمه دیوان سنایی در مورد مذهب وی اینگونه بیان می کند که ”عده ای معتقدند که

---

<sup>۱</sup> - تفسیر نمونه، استاد محقق آیت اله عظمی مکارم شیرازی، جلد ۱۷، چاپ ۲۵، سال ۱۳۸۵، ص ۳۱۶ و ۳۱۷.  
<sup>۲</sup> - مسند احمد، جلد ۲، ص ۲۵۹ به نقل از وصیت نامه ی سیاسی حضرت امام، ص ۲۴.  
<sup>۳</sup> - تجف العقول، انتشارات اسلامیة، از ص ۴۴۸ تا ۴۶۰ به نقل از وصیت نامه ی سیاسی حضرت امام، ص ۲۴.

سنایی در زمان جوانی پیرو اهل سنت بوده است و اشعار او را دلیل بر این ادعا می دانند<sup>۱</sup>. به عنوان نمونه به بعضی از این ابیات اشاره می شود.

خلق پیغمبر کجا تا از بزرگان عرب      جور و رنج ناسزان از پی یزدان کشد

صادقی باید که چون بوبکر در صدق و صواب      زخم مار و بیم دشمن از بن دندان کشد

از عرب لشکر زجیحون سوی ترکستان

یا نه چون عمر که در اسلام بعد از مصطفی

کشد \_\_\_\_\_

پارسایی کو که در مجراب و مصحف بیگناه      تا ز غوغا سوزش شمشیر چون عثمان کشد

حیدر کرار کو کاندرا مصاف از بهر دین      در صف صفین ستم از لشکر مروان کشد

(دیوان/ص ۸۵۹/بیت ۶ تا ۱۰)

---

<sup>۱</sup> - مقدمه دیوان سنایی، تصحیح مدرس رضوی، به اختصار از ص ۶۲ تا ۶۸.

نام عمر از عدل بلند است و گرنی یک کوی ندانم که در آنجا عمری نیست

(دیوان/ص ۱۰۰/ب ۱۹)

بیش از آن در راه ین بد صد هزار اسفندیار گرد هفت اقلیم اکنون یک سپه سالارکو

آن حیا و حلم و عدل و صدق آن هر

یک جهان بوبکر و عثمان و علی بینم همی

چارکو

(دیوان/ص ۵۷۵/بیت ۴ و ۵)

ای چو عثمان و چو حیدر شرم روی و وی چو بوبکر و چو عمر راستگوی و دادگر

زورمنند

(دیوان/ص ۲۷۹/ب ۳)

آری به زخم ماری ابوبکر صبر کرد تا لاجرم و زیر بنی گشت و یار غار

(دیوان/ص ۲۳۷/بیت ۵)

صادقین بوبکر بود و قانتین فرخ عمر منفقین عثمان، علی مستغفر بن آمد بهم

(دیوان/ص ۳۶۳/ب ۱۱)

«این دسته معتقدند که سنایی در اواخر عمر خود و هنگام نظم «حدیقه الحقیقه» به مذهب تشیع گراییده است و حدیقه را شاهد بر این امر می دانند»<sup>۱</sup>.

البته با توجه به اینکه سنایی در حدیقه نیز اشعار زیادی را آورده است که در آن به توصیف ابوبکر و عثمان و عمر پرداخته است نمی توان ادعای این افراد را مبنی بر اینکه

سنایی در موقع سرودن حدیقه به مذهب شیعه گراییده است را چندان قبول کرد.

سنایی در «حدیقه الحقیقه» به ستایش ابوبکر می پردازد و ابیات را با این حدیث از پیامبر (ص) آغاز می کند:

انا مدینه الصدق و ابوبکر بابها.

مشورت را و زیر پیغمبر  
روز خلوت مشیر پیغمبر

جان فدا کرده در ره دین  
زانکه بد از نخست آگه دین

<sup>۱</sup> - همان منبع.

شمع دین بود مصطفی جانش جان بوبکر بود پروانش

(حدیقه الحقیقه/ به اختصار از ص ۱۵۵ تا ۱۶۰)

سپس عمر را مدح و توصیف می کند و شعر را با این حدیث آغاز می کند:

انا مدینه الصدق و ابوبکر بابها.

بود عدل عمر ز بی مگری آینه صدق روی بوبکری

کان اسلام و زین ایمان بود صدق او عقل و عد را کان بود

از عمر یافت دین بها و شرف اینت دین را شده گزیده خلف

(حدیقه الحقیقه/ به اختصار از ص ۱۶۰ تا ۱۶۴)

و بعد از آن عثمان را می ستاید و سخنش را با این حدیث آغاز می کند:

انا مدینه الحیاء و عثمان بابها

آنکه برجای مصطفی بنشست برلبش شرم راه خطبه بیست



آنکه زلکنت نبود بود از شرم      زانکه دانست جانش را آزر

شرم و حلم و سخا شمایل او      هر سه ظاهر شد از مخایل او

این سه خصلت اصول و انبیاء      به دو دختر رسول را داماد

(حدیقه الحقیقه / به اختصار از ص ۱۶۴ تا ۱۶۷)

و سپس به مدح و ستایش حضرت علی (ع) می پردازد که بعداً در مورد آن مفصل بحث خواهد شد.

”آقای مدرس رضوی در ادامه بیان می کنند که «قاضی نورالله شوشتری» در کتاب «مجالس المؤمنین» سنایی را شیعه دانسته است و برای اثبات ادعای خود به دو بیت از حدیقه الحقیقه اشاره می کند.

ای سنایی به قوت ایمان      مدح حیدر بگو پس از عثمان

در مدیحهش مدایح مطلق      زهق الباطل است و جاء الحق

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۶۷ / ب ۱۸ و ۱۹)

این دو بیت، ابیات پایانی بخشی از حدیقه است که در مورد عثمان سروده است و سپس از مدح ابوبکر و عمر و عثمان به این دو بیت اشاره می کند و سپس به ستایش امیرالمؤمنین (ع) می پردازد. قاضی نورالله شوشتری معتقد است که سنایی با توجه به این دو بیت باید شیعه باشد چرا که با توجه به معنای این دو بیت سنایی مدح خلفای سه گانه را باطل دانسته و می گوید که با مدح حضرت علی (ع) حق جای باطل را می گیرد. در واقع سنایی شیعه بودن خود را به اینگونه ثابت می کند، شوشتری بر این عقیده است که سنایی به دلیل اوضاع نابسامان سیاسی زمان خود مجبور به؟؟ بوده و مذهب خود را پنهان می داشته است<sup>۱</sup>.

در باب نهم حدیقه با عنوان «فی الحکمه و الامثال و مثالب شعراء...» در فصل «فی بیان سبیل السعاده و الطریق المستقیم» ابیاتی را بیان می کند که شیعه بودن وی را آشکار می

سازد.

ای تکرار راه گشته رای و قیاس      بتر از راه و رای خود مشناس

۱ - همان منبع - با همان آدرس.

راه دینست محکم تنزیل شرح آن مرتضی؟؟ تأویل

جز از این حجله؟؟ شمر کار خودکن به قول کس منگر

(حدیقه الحقیقه / ص ۴۶۳ / بیت ۶ تا ۸)

وی در همان باب نهم حدیقه از خداوند می خواهد که به سبب دو چیز از تمام کوتاهی ها و گناهان او درگذرد و او را ببخشد.

گرچه دارم گناه بسیاری نیستم در زمنه بازاری

دو سبب را امید می دارم گرچه آلوده و گنه کارم

که نجاتم دهی بدین دو سبب زین چنین جمع بی خیر یارب

آن یکی حب خاندان رسول حب ان شیرمرد جفت بتول

و آن دگر بعض آل بوسفیان که از ایشان بدو رسید زیان

(حدیقه الحقیقه / ص ۴۶۶ / بیت ۱۷ تا ۲۱)

اما آنچه که به طور قطع و یقین مسلم است آن است که سنایی از دوستان راستین پیامبر و از مجبان واقعی حضرت علی (ع) و آل او بوده است و معتقد است که خلافت حق علی (ع) و اولاد اوست.

در دیوان سنایی، سلطان سنجر بن ملکشاه در باب مذهب از حکم سؤال کرد و سنایی در جواب او قصیده زیبایی سرود و به نزد او فرستاد. در این قصیده اعتقاد خاص سنایی به قرآن پیامبر اکرم و عترت ایشان به صورت کامل و شفافی بیان شده است که به طور اختصار به بعضی از ابیات این قصیده مهم اشاره می شود.

احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد دل اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن

تاکی آخر خویشتن چون حلقه

شومدینه علم را درجوی و پس در وی حرام

بردرداش\_\_\_\_\_تن

خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر

چون همی دانی که شهر علم را حیدر

داش\_\_\_\_\_تن

دراس\_\_\_\_\_ت

مر مر باری نکو ناید ز روی اعتقاد حق حیدر بردن و دین پیمبر داشتن

آنکه او را بر سر حیدر همی خوانی امیر کافر می تواند کفش قنبر داشتن

تا سلیمان وار باشد حیدر اندر صدر ملک زشت باشد دیو را بر تارک افسر داشتن

گر همی خواهی که چون مهتر بود مهتر قبول مهر حیدر بایدت باجان برابر داشتن

چون درخت دین به باغ شرع هم حیدر باغبانی زشت باشد باشد

نشاند جز که حیدر در داشتن

جز کتاب الله و عترت ز احمد مرسل نماند<sup>۱</sup> یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن

از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی عالم دین را نیارد کس معمر داشتن

---

<sup>۱</sup> - اشاره به حدیث معروف ثقلین دارد.

از پی سلطان دین پس چون روا داری همی جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن

هشت بستان را کجا هرگز توانی یافتن جز به حب حیدر و شبیر و شبر داشتن

بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر همچو بی دینان نباید روی اصفر داشتن

قوت اسلام و دین بود اقتضای ایزدی ذوالفقار احمد اندر دست حیدر داشتن

(دیوان/ به اختصار از ص ۴۶۷ تا ۴۷۳)

در قصیده دیگری در دیوان سنایی، شاعر به مدح و ستایش حضرت محمد و اهل بیت

ایشان می پردازد و در این قصیده حضرت علی بن موسی الرضا را نیز جزء اهل بیت

پیامبر به شمار می آورد. قصیده با این بیت آغاز می شود.

جهان پر درد می بینم دوا کو دل خوبان عالم را وفا کو

و ادامه می دهد.

سراسر جمله عالم پریتیم است یتیمی در عرب چون مصطفاکو

سراسر جمله عالم پر ز شیر است ولی شیری چو حیدر باسحا کو

سراسر جمله عالم پر زنانند زنی چون فاطمه خیرالنساء کو

سراسر جمله عالم پر شهید است شهیدی چون حسین کربلا کو

سراسر جمله عالم پر امام است امامی چون علی موسی الرضا کو

سراسر جمله عالم پر حدیث است حدیثی چون حدیث مصطفاکو

(دیوان / ص ۵۷۱ / به اختصار بیت ۴ تا ۱۸)

سنایی در ابیات پایانی حدیقه الحقیقه نیز ارادت خاص خویش را به پیامبر اکرم (ص) و

اهل بیت ایشان بیان می کند و بر دوستی با ایشان به خود می بالد و دوستی با آنها را راه

نجات و سعادت خود می داند.

کین سخن ها نجات من باشد زانکه توحید ذوالمنن باشد

شادمان مصطفی و یارانش وانکه هستند دوستدارانش

چهار یار گزیده اهل ثنا بر تن و جانشان زینده دعا

مرتضی و بتول و دوپسرش وانکه سوگند من بود به سرش

نخورم غم گر آل بوسفیان نشود از حدیث من شادان

چون زمن شد خدای من خشنود مصطفی را زمن روان آسود

مالک دوزخ ار بود غضبان غضب او بگو مرا چه زیان

مر مرا مدح مصطفی است غدی جان من باد جانش را به فدی



آل او را به جان خریدارم و زبیدی خواه آل بیزارم

دوستدار رسول و آل ویم وانکه پیوسته در نوال ویم

من ز بهر خود این گزیدستم کاندیرین ره نجات دیدستم

(حدیقه الحقیقه / ص ۵۴۶ / به اختصار از بیت ۷ تا ۱۷)

و در پایان بر محمد و آل محمد درود می فرستد؛

باد بر مصطفی درود و سلام ابدالدهر صد هزاران عام

صد هزاران ثنا چو آب زلال از ره بی باد بر محمد و آل

(حدیقه الحقیقه / ص ۵۴۷ / بیت ۱۷ و ۱۸)

وی در قلندریات خود به آل عبا چنگ می زند و خود را متوسل به آل عبا می داند.

ای سنایی با سنایی هر زمان چنگ در آل عبا خواهم زدن

(دیوان، ص ۴۸۰، بیت ۷)

در حدیقه سنایی به بیٹی اشاره می کند که حضرت محمد را آقا و سرور آل عبا می داند و می گوید که خداوند حضرت محمد(ص) سوره هل اتی را نازل کرده است که اکثر مفسران اهل سنت و شیعه نقل می کنند که این آیه در شأن اهل بیت رسول یعنی حضرت علی و فاطمه و امام حسن و امام حسین نازل شده است.

سید و سرفراز آل عبا یافت تشریف سوره هل اتی

(حدیقه / ص ۷۶ / بیت ۲۳)

باز درینی در حدیقه که در مورد پادشاهی بهرامشاه است، سنایی آل رسول را از هر گونه عیب و نقصی پاک و مبرا می داند:

سید و سرفراز آل عبا یافت تشریف سوره هل اتی

(حدیقه / ص ۳۷۳ / بیت ۷)

در دیوان سنایی بیٹی آمده است که در آن سنایی مهر به رسول و حضرت علی و آل او را راه رسیدن به جنت و بهشت می داند و بر محمد و آل او درود می فرستد.

سید و سرفراز آل عبا یافت تشریف سوره هل اتی

(دیوان / ص ۷۰۱ / ب ۸)

به جان جان دهم از جان و دل همه شب و صلوات ها و تحیات بر محمد و

آل

روز

(دیوان/ص ۳۵۲/ب ۲)

سیمای پیامبر در آثار سنایی

سنایی حضرت محمد را آقا و سرور تمام پیامبران می داند و در تفسیر آیه الم یجدک

یتیماً فأوی ایشان را تاج سر انبیاء معرفی می کند.

نه تو دری بودی اندر بحر جسمانی یتیم فضل ما تاجیت کرد از بهر فرق انبیاء

(دیوان / ص ۳۵ / ب ۱۱)

که زما بر روان او صلوات

تا بگوید ز سید سادات

کرده بر جمله انبیاش اوحد

احمد مرسل آنکه فضل احد

(حدیقه الحقیقه / ص ۳۰۵ / ب ۲۰ و ۲۱)

آن ز پیغمبران بهین و گزین

خاصه نعت رسول باز پسین

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۲۵ / ب ۲۶)

خُسْر<sup>۱</sup> میر مرتضی او بود

مفخر جمله انبیاء او بود

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۴۶ / ب ۱۱)

۱ - خُسْر : داماد ← فرهنگ معین.

سنایی در فضیلت و برتری حضرت محمد بر جبرئیل داستان معراج پیامبر را به تصویر می کشد.

شب معراج چون به حضرت رفت با هزاران جلال و عزت رفت

چون به رفراف رسید روح امین جست فرقت زمصفای گزین

جبرئیل از مقام معلومش بازگشت و بماند محرومش

گفت شاهها کنون تو خود بخرام که مرا بیش از این نماند مقام

پیش از این گریبانم انگستی یا بر این روی آورم پشٹی

همچو انگشت سوخته سر و پشت گردهم پا و پنجه و انگشت

جبرئیل این سخن روایت کرد با ملائک همین حکایت کرد

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۵۲ ب ۲۳ و ۲۴ و ص ۱۵۳)

سنایی حضرت محمد را محرم جان انسانها می داند و اعتقاد دارد که هر کس دلش به نور پیامبر روشن باشد از آتش دوزخ در امان است.

جز به دست و دل محمد نیست حل و عقد خزانه اسرار

چون دلت پر ز نور احمد بود به یقین دان که آمفی از نار

(دیوان / ص ۲۰۲ / ب ۳ و ۴)

اندر آن عالم نیابی محرمی مرجانت را جز صفای احمدی و جز سخای حیدری

(دیوان / ص ۶۵۲ / ب ۵)

تکیه بر شرع محمد کن و برقرآن کن      زان کجا عروه و ثقای تو جز قرآن نیست

(دیوان / ص ۹۸ / ب ۱۰)

سنایی پیامبر را مایه حیات و آفرینش همه عالم می داند و به حدیث لولاک لما خلفت  
الافلاک<sup>۱</sup> اشاره می کند.

با نقش تو گفته نقش بندت      لولاک لما خلقت الافلاک

ای نقش نگین تو لعمرك      وی خلعت تو لولاک

(دیوان / ص ۹۱۷ / ب ۱۳ و ۱۵)

زهی پشت و پناه هر دو عالم      سرو سالار فرزندان آدم

نبودی گر برایت گفت ایزد      نه آدم آفریدی و نه عالم

میان اولیاء صدری و بدری      میان انبیاء مهری و خاتم

(دیوان / به اختصار ص ۳۷۶ و ۳۷۷)

احمد مرسل آن چراغ جهان      رحمت عالم آشکار و نهان

آمد اندر جهان جان هر کس      جان جانها محمد آمد و بس

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۲۷ / ب ۱ و ۲)

آدمی زنده اند از جانش      انبیاء گشته اند مهمانش

۱ - شرح تعرف / ج ۲ / ص ۴۶ به نقل از احادیث و قصص مثنوی، بدیع الزمان  
فروزانفر ص ۴۸۴.

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۲۸ / ب ۱)

سنایی پیامبر را رحمت للعالمین می داند و در تفسیر و ما ارسلاکای رحمه للعالمین

می گوید:

چون تو بیماری از هوا و هوس      رحمه للعالمین طیب تو بس

مصطفی بر کرانه برزخ      راء آویختست در دوزخ

تا رهاند ترا ز دوزخ زشت      پس رساند به بوستان بهشت

سنت او ردیست هین برخیز      در ردای محمدی آویز

کآسمانت احمد مرسل      اولش آخر، آخرش اول

(صدیقه الحقیقه / به اختصار از ص ۱۳۸ تا ص ۱۴۰)

سیمای حضرت علی (ع) در آثار سنایی

سنایی حضرت علی (ع) را نایب و جانشین پیامبر می داند و می گوید:

نایب شرع مصطفی اوسست      عالم علم مرتضی اوسست

هر چه با مرتضی بگفت رسول      او به جان کرده جمله قبول

(حدیقه الحقیقه / ص ۴۶۰ / ب ۱۵ و ۱۷)

هر نبی را وصی و هم داماد      جان پیغمبر از جمالش شاد

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۰ / ب ۶)

نایب مصطفی به روز غدیر کرده در شرح مرو را به امیر

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۰ / ب ۱۰)

نایب کردگار حیدر بود صاحب ذوالفقار حیدر بود

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۴ / ب ۲۲)

سنایی معتقد است که دین اسلام به دست علی (ع) گسترش پیدا کرده و آرام و قرار گرفته است.

ز آنکه بی تیغ دین نیافت قرار ذوالفقاری به حیدر کرار

(حدیقه الحقیقه / ص ۳۸۷ / ب ۶)

از تیغ علی بگویی تیغ تو چه کم کان دین عرب فزود واین ملک عجم

(دیوان / رباعی ۳۴۸ / ص ۱۱۵۴)

هیچ رونق بود اندر دین و ملت تا نبود ذوالفقار حیدری را یار دست احمدی

(دیوان / ص ۶۶۲ / ب ۱۰)

وی حضرت علی (ع) را دربان سرای پیامبر می خواند و حفاظت از دین اسلام را از آن علی می داند.

چون نباشی خاک درگاه سرائی را که پاسبان بام، روح القدس و دربان مرتضا

هست

(دیوان / ص ۴۳ / ب ۱۲)

سنایی شرافت و ارجمندی آل یاسین را مدیون علی (ع) می داند.

آل یاسین شرف بدو دیده این داور را به علم بگزیده

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۰ / ب ۹)

شرف شرع و قاضی دین او صدف در آل یاسین او

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۰ / ب ۱۹)

سنایی حضرت علی (ع) را چشم و چراغ پیامبر معرفی می کند و می گوید که علی (ع) رازدار پیامبر است.

عالم علم بود و بحر هنر بود چشم و چراغ پیغمبر

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۱ / ب ۱۱)

رازدار خدای پیغمبر رازدار پیمبرش حیدر

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۷۱ / ب ۲۳)

از نظر سنایی علی (ع) یکتا و یگانه است و هیچ کس مانند او را نمیتوان در جهان پیدا

کرد.

هر کسی جز وی امامت نیز دعوی لیک پنهان نیست شاه ذوالفقار از ذو؟؟

می کند

(دیوان / ص ۲۱۳ / ب ۳)



صد علی در کوی ما بیش است بازیب لیک یک تن را نخواند هیچ عاقل مرتضا

و جمال

(دیوان / ص ۲۱ / بیت ۹)

عالیم پر زوالخمار است از خمار ای دریغا در جهان، یک حیدر کرار کو

خواجگی

(دیوان / ص ۵۷۴ / ب ۵)

در مورد ذوالفقار حضرت علی (ع) بسیار سخن گفته شده است، سنایی نیز به این مسأله

اشاره می کند و آن را شمشیری می داند که خداوند از بهشت آنرا برای حضرت علی

آورده است تا با کمک آن حافظ دین اسلام باشد.

ذوالفقاری که از بهشت خدای بفرستاده بود شرک زدای

آوردش به نزد پیغمبر گفت کاین هست بابت حیدر

تا بدو دینت آشکار کند لشکر کفر تار و مار کند

مصطفی داد مرتضی را گفت که بدین آردین برون ز نهفت

(حدیقه الحقیقه / ص ۱۶۹ / ب ۲۳ تا ۲۶)

سنایی به دو تیغ که از آن علی (ع) است اشاره می کند ذوالفقار و تیغ زبان که با تیغ زبان

علم عالم را فاش می کند و با ذوالفقار دشمنان را نابود می نماید.

کرده یک تیغ همچو تیر جهان

به دو تیغ او به ذوالفقار و زبان

که بدو کرده علم عالم فاش

بود تیغی زبان گوهر پاش

کامت جانن شیر غران بود

دیگری ذوالفقار بران بود

شرع را کرده همچو تیر و قلم

زان دو تیغ کشیده در عالم

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)

[www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com)